



بیانات در استادیوم انقلاب شهرکرد - 15 / مهر / 1371

سم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين، الهداة المهديين المعصومين، سيما بقية الله في الارضين. قال الله الحكيم في كتابه: «ونريد ان نمنّ على الذين استضعفوا في الارض، ونجعلهم ائمةً ونجعلهم الوارثين.» (1)

خدای بزرگ را بسیار شکرگزارم که يك بار ديگر اين توفيق را به بنده ارزانی داشت که شما مردم عزيز، خونگرم، انقلابی، مؤمن، مجاهد فی سبيل الله و صادق در پیروی از اسلام و امام را، در اين شهر زیارت کنم. من از شهر شما و از شما مردم عزيز، خاطره های بسیار خوبی دارم.

شما مردم استان چهارمحال و بختیاری رادر جبهه و در پشت جبهه، با سربلندی و سرافرازی دیده ایم. سپاهیان و بسیجیان و سرداران و فرماندهان و برگزیدگان شما در جبهه های جنگ، در قالب «تیپ قمر بنی هاشم»، حقیقتاً مایه سرافرازی بودند، که فراموش شدنی نیست.

شما مردم در پشت جبهه، از جهت کمکهای مردمی، از جهت بسیج مردمی، از جهت حضور در صحنه های گوناگون انقلاب، جزو مردم نمونه کشور ما هستید. خدا را شکرگزاریم که دلهای شما را به نور محبت و صفا و ایمان و عشق به انقلاب منور کرد؛ قدمهای شما را استوار، دلهای شما را امیدوار، گامهای شما را محکم و پیروزی را در صحنه های جنگ نصیب شما کرد. این، لطف پروردگار است.

استان چهارمحال و بختیاری، استانی مستعد است. هم استعداد طبیعی دارد و هم استعداد فرهنگی. از لحاظ استعداد طبیعی، معادن زیرزمینی این استان، متنوع و قابل توجه است. آب، امکانات دامداری و مراتع این استان، بارزش است. از لحاظ استعداد فرهنگی و انسانی، جوانان این استان با استعدادند. در میدانهای علم و دانش و ادب و فرهنگ و هنر، مردمانی هستند که علی رغم محرومیتهایی که در طول زمان - چه در دوران خانها و چه در دوران ستمشاهی - بر آنها تحمیل شده است، این استان از لحاظ نیروی فرهنگی و انسانی، خود را نشان داده است.

من فراموش نمی کنم سالها پیش از این، قبل از آن که بدانم «سامان» کجاست، نام «عمّان سامانی» و «دهقان سامانی» را، به عنوان دو شاعر، می دانستم و شعر آنها را می شناختم. اینها يك نمونه است. امروز هم بحمدالله استعدادها جوشان است. از اینها بالاتر، روحیه نشاطی است که در شما مردم وجود دارد. یکی از مظاهر آن، همین حضور پرشور و محبت آمیز شما مردم عزيز و گرامی در این میدان یا در خیابانهای شهر است؛ که هرچه انسان چشم می گرداند، این چهره های جوان و بانشاط و پر قدرت و با استعداد را مشاهده می کند. همه اینها نعمتهای خدا بر ما مردم ایران و بر شما مردم این استان - بخصوص - و بر مسؤولین کشور است؛ که باید از این نعمتها قدردانی کنیم. خدا را بر این نعمتها شکر کنیم، و بر اساس این نعمتها برنامه ریزی کنیم.

اما آنچه دل انسان رابه درد می آورد این است که این استان، با وجود همه این استعدادها، در طول سالیان دراز،



محرومیت کشیده است. در دوران ستمشاهی نگاه نمی کردند که مردم چه می خواهند و چه لازم دارند. نگاه می کردند که رفقای خودشان، نوکران خودشان و خوانین منطقه، چه لازم دارند و چه می خواهند. مردم را قربانی خانها می کردند. نتیجه این شد که از قِبَل این استان و این مردم محروم ونجیب و صبور و بااستعداد، جیبهایی پُر شد و خانها و خانزاده ها عیاشیها کردند؛ اما جوانان این استان محروم ماندند. در و پیکراین استان، محروم ماند. کوه و بیابان این استان، دست نخورده ماند.

در دوران بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، به فضل پروردگار، خیلی کار شده، خیلی زحمت کشیده شده و خیلی بودجه و پول در این جا مصرف شده است؛ اما همه اینها، در مقابل محرومیتها و نیازها چیز زیادی نیست. امسال که سال هزار و سیصد و هفتاد و یک است، بودجه عمرانی این استان تقریباً پنج برابر سال گذشته است. این، نشان می دهد که مسؤولین کشور و مسؤولین استان و عناصر فعال این استان، تلاش و کار می کنند. بحمدالله طرحهای زیادی اجرا شده است؛ اما آنچه باید بشود، کمتر از آنچه تا امروز شده است، نیست.

من همین جا يك جمله رابه شما مردم عزیز، جوانان پرشور و مؤمن و مردان و زنان علاقه مند و باصفا عرض کنم و بعد به مطلب اصلی مورد نظر بپردازم. آن جمله این است: حالا که بحمدالله دولت اسلامی است، حالا که مسؤولین علاقه مندند و کسانی که در رأس امور قرار دارند، خودشان جزو قشرهای عمومی این مردم هستند و می خواهند کار کنند - و نمونه اش همین کارهایی است که شده است - حالا که مسؤولین در خدمتند، شما مردم، شما جوانان و شما کسانی که قدرت فکری یا عملی دارید هم، باید کمک کنید. طرحهای دولت را زنده کنید؛ با دولت همکاری کنید. جوانان درس بخوانند، خود را بسازند و آماده کنند. روستایی و عشایری و دامدار و مسؤولین کشوری و مسؤولین محلی، همه و همه، هر کدام که کاری بر عهده آنها گذاشته شده است، آن کار را خوب انجام دهند.

رژیم ستمشاهی، سعی می کرد مردم را به تنبلی سوق دهد. در زبان نه؛ اما در عمل این گونه بود. ما باید امروز - بعد از آن که بحمدالله سایه شوم طاغوت از سر این کشور و ملت کم شده است - تلاش کنیم، کار کنیم و نیرو و استعدادمان را به کار بیندازیم.

اما مطلب اصلی مورد نظر من این است که، طبق آیه قرآن که فرمود: «ونريدان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمةً ونجعلهم الوارثین»، انسان می فهمد جهت حرکت کئی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. این است که اسلام و پرچم دین را، از پرچمهای فرهنگها و تمدنها و ایدئولوژیها و مکاتب گوناگون، به کئی متمایز می کند: سعی برای طبقه محروم. امروز در دنیای سرمایه داری و کشورهای که زیر سلطه استکبار جهانی است، حرکت به سمت رشد پولداران و سرمایه داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر يك وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پولداران و سرمایه داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده اند. اما اسلام این را نمی گوید. اسلام می خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آن جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسانها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در يك محیط مناسب و مساعد، خود رابه کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود. این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است. نه مثل آن سوسیالیستها و کسانی که دم از طرفداری از محرومین می



زدند؛ اما هفتاد سال کشورها و ملت‌ها و جوامع را معطل کردند و روزه روز آنها را عقبتر راندند. نه مثل آنهایی که خواستند ایمان دینی را از مردم بگیرند. انسانی که ایمان دینی ندارد، امید روشن ندارد. انسانی که ایمان دینی ندارد قدرت برخورد با مشکلات را، به صورت اساسی ندارد. در نیمه راه می ماند و از نیمه راه برمی گردد. لذا شما دیدید آن کشورهای که هیأت‌های حاکمه آنها، بی دینی و الحاد و بی خدایی و تفکرات مارکسیستی را بر مردم خودشان تحمیل کردند، در نیمه راه ماندند و از پا درآمدند و غرب غارتگر و استعمارگر بر آنها فائق و پیروز شد. اما اسلام این گونه نیست. حرکت اسلامی یک حرکت دائمی است. مبارزه اسلام برای زندگی نیکو و زیبا و عادلانه انسان، یک حرکت همیشگی است. برای همین است که با اسلام دشمنند، و برای همین است که هرروز که می گذرد، توطئه ای علیه اسلام و مسلمین، از چننه استکبار بیرون می آید.

شما به وضع دنیا نگاه کنید! من مایلم به شما جوانان عزیز - هر چند در یک بخش محروم و دورافتاده زندگی می کنید، اما دل‌هایتان روشن و فکرهایتان بیدار است - بگویم: امروز آمریکا و قدرت شیطان صفت استکبار، با کمال شدت و خشم، علیه اسلام مبارزه می کند. هرکاری از آنها برمی آید، علیه اسلام انجام می دهند؛ اما با وجود این، بحمدالله قدرت اسلام و روحیه و ایمان اسلامی، روزه روز در دنیا در حال گسترش است.

این، چیزی است که استکبار از آن واهمه دارد. دل‌های ما به خاطر مسلمانانی که در زیر چکمه های بیرحم دشمنان، در گوشه و کنار عالم دست و پامی زنند و داد اسلام برمی آورند؛ اما از ایمان اسلامی خودشان دست برنمی دارند، پر از غم و درد است. این قضیه ای که امروز در اروپا و در میان ملت‌های به اصطلاح متمدن در جریان است، یک قضیه کم نظیر تاریخی است. ملتی را که با سابقه طولانی مسلمانی، در خاک و خانه و میهن خود - در کشور بوسنی هرزگوین - دم از مسلمانی می زند، قتل عام می کنند. این برای چیست؟ چرا قدرتهای غربی از همه طرف ایستاده اند، صحنه را تماشایی کنند و به هیچ اقدامی دست نمی زنند؟

من به عنوان کسی که در مسأله مسلمانان محروم و مظلوم بوسنی که در آن جا قتل عام می شوند، مسؤولیت و وظیفه دارم، اعلام می کنم: دولتهای غربی باید وارد شوند و نگذارند که مسلمانان به وسیله دشمنانشان، یعنی صربها، قتل عام شوند. اگر خودشان حاضر نیستند، راه را برای ملت‌های مسلمان باز کنند. ملت‌های مسلمان، ملت مسلمان ایران و جوانان رزمنده ما، می توانند صربها را سر جای خودشان بنشانند و راه را باز کنند. این، یک نمونه است از بی اعتنائی قدرتها به ریخته شدن خون مظلومین. یعنی همینهایی که دم از حقوق بشر می زنند؛ همینهایی که ادعا می کنند پرچم حقوق بشر را در دست گرفته اند، و دروغ می گویند. حقوق بشر محترم است؛ اما وقتی که پای مسلمانان در میان نباشد!

چرا اینها این قدر با مسلمانان بدند؟ به خاطر اسلام. چرا با اسلام دشمنند؟ چون اسلام در مقابل طمع ورزیهای استکبار، یک مانع بزرگ به حساب می آید. هر جا اسلام حضور دارد، اجازه نمی دهد قدرتهای استکباری، آن جا غارتگری کنند و به میل خود هرکاری می خواهند انجام دهند. در همین کشور عزیز ما ایران؛ در این سرزمین پهناور و پربرکت، قبل از پیروزی انقلاب که قدرتهای ستمشاهی و وابسته به آمریکا و غرب حاکم بودند، در طول سال‌های متمادی، چه در زمان خاندان منحوس پهلوی و چه در دوران پادشاهان ملعون قاجار - فرق نمی کرد - در همه این دورانها، خارجیها - یک روز روسها، یک روز انگلیسیها و یک روز امریکاییها - بر این مملکت حکومت کردند، غارت کردند، اموالش را بردند، این مردم را استثمار کردند، عشایر را تار و مار کردند، شهرها را ویران کردند، هر کار توانستند



با ثروت‌های طبیعی این ملت در طول سالیان دراز انجام دادند. راه برای خارجیها باز بود. راه برای انحصارات و استفاده بیگانه‌ها باز بود. یک روز کمپانیهای انگلیسی بودند، یک روز امریکاییها بودند. قبل از اینها روسها بودند. هرطور که مایل بودند می‌توانستند از این مملکت سوءاستفاده کنند و به استثمار آن پردازند. اما از روزی که اسلام در این مملکت به حکومت رسید، پای بیگانگان قطع شد. دست متجاوزین از این کشور قطع شد. امروز دیگر قدرتمندان خارجی نمی‌توانند از این ملت و منابع او سوءاستفاده کنند. امروز دیگر قدرتهای سیاسی خارجی، قدرت ندارند سرنوشت این ملت را به میل خودشان - هرطور که می‌خواهند - تعیین کنند. امروز، خود این ملت است و برگزیدگان این ملت. مجلس شورای اسلامی و این دولت خدمتگزار و این رئیس‌جمهور کم‌نظیر و بقیه خدمتگزارانی که مشغول خدمتند، نمایندگان این ملتند. خودشان تصمیم می‌گیرند و با قدرت تمام، علی‌رغم میل دشمن، عمل می‌کنند. این، به برکت اسلام است. هرجا که اسلام وارد شود، پای دشمنان و استثمارگران از آن جا قطع خواهد شد. برای همین است که با اسلام دشمنند. برای همین است که با ایمان این ملت و ملت‌های مسلمان دشمنند. و این، برای ما یک درس است؛ یک درس بزرگ. این، توصیه به همه ملت ایران است که امروز در جمع شما مردم عزیز چهارمحال و بختیاری عرض می‌کنم: ایمان دینی‌تان را حفظ کنید؛ اتحادتان را حفظ کنید؛ تلاش و فعالیت و مجاهدتتان را حفظ کنید، تا هرگز دشمن در شما طمع نرزد. در چنین زمینه‌ای، دشمن جرأت نمی‌کند نزدیک شود. امروز، امریکا با ملت و دولت ایران دشمن است. دل‌های مستکبرین نسبت به این ملت و این کشور و این دولت، پر از کینه است. می‌خواهند به ما ضربه بزنند، هرکاری هم می‌توانند می‌کنند. اما به فضل الهی، روزه روز این کشور، این ملت و این دولت، سرافرازتر و نیرومندتر و مقتدرتر می‌شود.

راز این اقتدار ملی و این قدرت بزرگ در چیست؟ در ایمان اسلامی، در تعبد اسلامی، در وحدت کلمه، در همراهی و همدستی و همدلی ملت و دولت و همکاری مسؤولین با مردم. این، راز اصلی است. این را باید حفظ کنید.

من به شما مردم عزیز، مخصوصاً به جوانان، عرض می‌کنم: به وظایف دینی پایبند باشید؛ واجبات را قدر بدانید؛ ایمان اسلامی خود را با عمل اسلامی همراه کنید؛ در مقابل فساد اخلاق و انحراف عقیده، بایستید؛ خود را جسمی و فکری و روحی و ایمانی، روزه روز قویتر کنید.

ان شاءالله این ملت، روزی را خواهد دید که بر همه دشمنان خود، در سراسر عالم، پیروز خواهد شد و دشمنان، به کتی قدرت دست اندازی به این کشور و این ملت را از دست خواهند داد. خدای متعال به برکت دعای زاکلی ولی عصر ارواحنافداه و عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، توجه و لطف خود را بر شما مردم، روزه روز اضافه کند و توجهات ولی عصر ارواحنافداه و ادعیه روح مطهر امام بزرگوارمان شامل حال شما گردد، و آن روح مقدس، همیشه از شما راضی و خشنود باشد.

من یک بار دیگر از این که توانستم شما برادران و خواهران عزیز را در این روز و در این محل زیارت کنم، خدای متعال را شکرگزارم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته